

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال هجدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۱ Scopus

صص ۲۵۵ - ۲۲۸

نقش ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ترانزیت انرژی (نفت و گاز) خلیج فارس در پیشبرد سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران

فتح‌اله نوروزی‌زاده - دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

دکتر مهناز گودرزی * - دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

دکتر حسین مسعودنیا - دانشیار و عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۶

DOR: 20.1001.1.17354331.1401.18.67.8.8

چکیده

ایران و منطقه زیر سطح آن خلیج فارس، از بُعد ژئوپلیتیک، گذرگاه شرق به غرب و محل ارتباط ژرفای ژئوپلیتیک شمالی (منطقه هارتلند) و ژرفای جنوبی (منطقه ریملند) بوده و در قلمروهای جدید ژئواکونومیک نیز در مرکز بیضی استراتژی انرژی قرار گرفته که در میان سه حوزه مهم مصرف‌کننده انرژی یعنی اروپا، چین و هند واقع شده است. از این رو پژوهش حاضر بر اساس نظریات هارتلند مکیندر و ادوارد لوتواک، بدنبال پاسخ به این سؤال بود که ترانزیت نفت و گاز خلیج فارس چه تأثیری بر پیشبرد سیاست منطقه‌ای ایران دارد؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد؛ اتصال کریدور انرژی خلیج فارس به حوزه‌های مصرف، باعث پیوند سرنوشت امنیت انرژی و اقتصادی این کشورها به سرنوشت ایران، خلق شرکای راهبردی، ارتقاء سطح جایگاه منطقه‌ای، افزایش ضریب توسعه اقتصادی و امنیت ملی ایران خواهد شد. روش جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و یافته‌های پژوهش به شیوه‌ای توصیفی - تحلیلی مورد بررسی قرار گرفت.

واژه‌های کلیدی: خلیج فارس، نفت و گاز، ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک، سیاست منطقه‌ای.

۱. مقدمه

ایران به دلیل قرار گرفتن در یکی از حساس‌ترین مناطق دنیا و درگیر بودن در معادلات اقتصاد انرژی محور در عصر برتری و حاکمیت فضای ژئواکونومی؛ شرایط و توانمندی‌های ویژه‌ای دارد. ایران با موقعیت خاص ژئوپلیتیک، ژئواکونومی و قابلیت‌های ژئوانرژی خود می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در امنیت انرژی و اقتصاد بین‌الملل ایفا کند. گره‌خوردگی امنیت انرژی جهانی به ایران، همه ضرورت‌ها را برای بررسی هرچه صحیح‌تر جایگاه ژئوانرژی ایران به خصوص در منطقه خلیج فارس را فراهم می‌سازد. ایران علاوه بر داشتن ذخایر دوم نفت و گاز جهان، در مرکز دو کانون بزرگ انرژی جهان یعنی خلیج فارس و حوزه خزر قرار دارد. این دو منبع راهبردی انرژی در بین سه ابر حوزه مصرف‌کننده انرژی یعنی شبه‌قاره هند، چین و اتحادیه اروپا قرار گرفته است. اما علی‌رغم برخورداری از منابع و جایگاه برتر، به علت درگیر شدن در رقابت‌های فرسایشی و بحران‌های سیاسی پیرامون، دولتمردان ایران در چند دهه اخیر نتوانسته‌اند از این موقعیت ممتاز در راستای توسعه اقتصادی و همکاری منطقه‌ای استفاده کنند. لذا ضروری است که سیاست منطقه‌ای ایران بر مباحث ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک خصوصاً بر حوزه ترانزیت نفت و گاز استوار گردد و از اولویت‌های ثانویه و چندم تصمیم‌گیران حوزه سیاست‌گذاری ایران، در ردیف اولویت‌های فوری و اولیه تعریف و تبدیل گردد.

در این راستا با توجه به اینکه ایران در فضای ناامن منطقه خاورمیانه قرار دارد، باید از طریق بهره‌مندی مناسب از پتانسیل ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک خود و استفاده بهینه از منابع سرشار نفت و گاز طبیعی و ترانزیت آن به کانون‌های مهم مصرف‌کننده انرژی بویژه شبه‌قاره هند، چین، اتحادیه اروپا و همچنین توسعه سطح روابط خود با همسایگان بویژه کشورهای صاحب انرژی اما محصور در خشکی آسیای مرکزی، جهت غلبه بر نشانه‌های ناامنی، با پیوند سرنوشت این مناطق به موقعیت گذرگاهی ایران، ارتقاء سطح پیوستگی ژرفای ژئوپلیتیک شمال به ژرفای ژئوپلیتیک جنوب (خلیج فارس)، خلق متحدان منطقه‌ای و شرکای راهبردی در حوزه انرژی برای مقابله با محدود نمودن دایره‌ی تحریم‌ها و فشارهای سیاسی غرب جهت انزوای ایران اقدام نموده تا ضمن ارتقای سطح امنیت و منافع ملی، وزن ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی خود را در

سطح منطقه و حتی نظام بین‌الملل ارتقاء دهد. بنابراین پژوهش پیش‌روی بر آن است تا تأثیر پیوند بین کریدورهای ترانزیت انرژی خلیج فارس و حوزه‌های مهم مصرف‌کننده انرژی بر پیش‌برد سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی قرار دهد.

۲. روش تحقیق

پژوهش حاضر، از لحاظ اینکه به بررسی وضع موجود می‌پردازد در قلمرو تحقیقات توصیفی قرار داشته و از نظر نوع تحقیق از روش‌های «توصیفی-تحلیلی» استفاده شده و با استفاده از رویکرد ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک، تأثیر و اهمیت ترانزیت انرژی (نفت و گاز) خلیج فارس بر پیش‌برد سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران را بررسی می‌کند.

۳. پیشینه تحقیق

در ارتباط با ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک انرژی و رابطه‌ی آن با سیاست خارجی و منطقه‌ای، دیدگاه‌ها و متون متعددی طرح و منتشر شده که می‌توان آنها را به دو دسته تقسیم کرد: متونی که به ژئوپلیتیک و ژئواکونومی انرژی و رابطه‌ی آن با سیاست خارجی پرداخته‌اند؛ در این متون نویسندگان به اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومی انرژی ایران تمرکز نموده و به نقش مهم آن در سیاست خارجی، توسعه اقتصادی و قدرت ملی ایران، توجه نموده‌اند. برای مثال می‌توان به: (Sajadpour,2019; Veis,2019; Mahkouii and Goodarzi,2020; Sadeghi and et.al,2018; Salehi and et.al,2015; Golkarami and et.al,2018) اشاره نمود. دسته دوم متونی که به ژئوپلیتیک و امنیت و ترانزیت انرژی پرداخته‌اند؛ در این متون به بیان امنیت انرژی و ژئوپلیتیک انرژی و پیامدهای آن که بر امنیت و منافع ملی کشورها خواهد گذاشت، می‌پردازد. در این خصوص نیز می‌توان به این منابع اشاره کرد: (Gamawa,2017; Nasirpour,2019; Dyer and Trombetta,2013). آنچه پژوهش پیش‌رو را با پژوهش‌های صورت گرفته در این حوزه متفاوت می‌سازد این است که عمده متون موجود از حیث تعریف نوع رابطه بین متغیرهای پژوهش، با نوشتار حاضر متفاوت هستند. بطوری که عمدتاً به امنیت انرژی و نیز ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک و رابطه آن با سیاست خارجی پرداخته‌اند اما از عامل ترانزیت انرژی خلیج فارس و رابطه آن با سیاست منطقه‌ای ایران، کمتر سخن به میان آمده که نوآوری پژوهش حاضر را شکل می‌دهد.

۳-۱. پرسش تحقیق

ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ترانزیت نفت و گاز خلیج فارس چه تأثیری بر پیشبرد سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران دارد؟

۳-۲. فرضیه تحقیق

به نظر می‌رسد در راستای تأمین امنیت انرژی، ترانزیت انرژی خلیج فارس به حوزه‌های مصرف علاوه بر خلق پیوندهای سیاسی-اقتصادی و امنیتی با آن واحدها و ارتقاء سطح جایگاه منطقه‌ای ایران، باعث کاهش فشارهای سیاسی و اثر تحریم‌های بین‌المللی و بدنبال آن تقویت قدرت اقتصادی و افزایش ضریب امنیت ملی گردد.

۴. مبانی نظری

رہیافت‌های ژئواکونومیک: پس از فروپاشی نظام دوقطبی و حاکمیت ژئوپلیتیک کلاسیک بر آن، تاکنون نظریه‌پردازان در قالب تئوری‌های مختلف به دنبال تبیین نظام سیاسی جهان بوده‌اند که هر کدام به بخشی از موضوع پرداخته‌اند که از نشانه‌های دوره‌ی گذار ژئوپلیتیکی است. در این دوره زمانی، یعنی پس از سال ۱۹۸۹ - که به ژئوپلیتیک پست مدرن معروف است - اندیشه‌های ژئوپلیتیکی شکل گرفته‌اند که به نظر می‌رسد ایده «ژئواکونومی و اصالت اقتصاد در برابر نظامی‌گری» ادوارد لوتواک^۱، بیش از دیگر تئوری‌ها به واقعیت نزدیک است (Veisi, 2009:95). ادوارد لوتواک معتقد است که زوال جنگ سرد در واقع نشان‌دهنده تغییر مسیر و حرکت نظام جهانی از سوی ژئوپلیتیک به سمت ژئواکونومیک می‌باشد. از نظر وی در عصر ژئواکونومی، وسایل و علل منازعات، مناقشه و درگیری‌های قرن حاضر (بیست و یکم) ماهیتی اقتصادی پیدا می‌کند و ابزارآلات اقتصادی جایگزین اهداف نظامی می‌شوند (Islami and Gharibi, 2018:75). بنابراین از ویژگی‌های دوران حاکمیت ژئواکونومی، اهمیت اقتصاد در عرصه جهانی و تشکیل گروه‌بندی‌های منطقه‌ای بر بنیاد اقتصاد است (Hafeznia and Kavianirad, 2014:253). البته

1. Postmodern Geopolitics
2. Edward Luttwak

ژئواکونومی را نمی‌توان بحث جداگانه‌ای از مبحث مادر دانست (بطوری که دو عنصر از سه عنصر ژئوپلیتیک یعنی جغرافیا و قدرت با اقتصاد پیوند دارد)؛ بنابراین هریک از این مباحث قرائت ویژه‌ی خود را از ژئوپلیتیک ارائه می‌دهد؛ یعنی آنجا که اقتصاد انگیزه‌ی رقابت‌های قدرت است، ژئوپلیتیک قرائتی اقتصادی از شرایط موجود را ارائه می‌دهد و جنبه‌ی ژئواکونومیک به خود می‌گیرد (Mokhtari Hashi, 2018: 61). ژئواکونومی تکنولوژی ماهرانه‌ای است برای پیشبرد منافع اقتصاد ملی در عرصه خارجی و اقدامات استراتژیکی در فضای ژئواکونومیک، با هدف کلی شناسایی و بکارگیری پرمزیت‌ترین الگوها و موقعیت‌هایی که سهم و مشارکت اقتصاد ملی را در عرصه تولیدات جهانی و توزیع درآمد جهانی بیمه می‌کند (Valighlizadeh and Zaki, 2008: 27).

در عصر برتری ژئوپلیتیک موضوع محور بر ژئوپلیتیک جهانی، انرژی مهم‌ترین عنصر در رقابت‌های ژئواکونومی است که موضوع ژئوپلیتیک انرژی را بوجود آورده است. در هزاره سوم، قلمروهای ژئواستراتژیکی بر مبنای منطق انرژی تعیین می‌شوند به طوری که انرژی به مؤثرترین مؤلفه‌ی کسب ثروت، اعمال قدرت و حفظ برتری منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شده است (Farajirad and et.al, 2015: 84). بنابراین منابع تأمین انرژی (نفت و گاز طبیعی) و ترانزیت آن اعتبار ویژه‌ای یافته است. در همین راستا؛ در دیدگاه جفری کمپ^۱ و رابرت هارکاو^۲ که متأثر از نظریه هارتلند مکیندر است، از «بیضی استراتژیک هارتلند انرژی»^۳ جهان یاد می‌شود که ایران در مرکز آن قرار دارد. آنها معتقدند که ایران علاوه بر داشتن ذخایر دوم نفت و گاز جهان، در مرکز دو کانون تأمین‌کننده انرژی جهان در قرن بیست و یکم یعنی خلیج فارس و حوزه خزر واقع شده است. این دو منبع راهبردی، در بین سه حوزه‌ی مصرف‌کننده انرژی یعنی شبه‌قاره هند، چین و اروپا نیز واقع شده است (Dadras and Shafiei, 2018: 87). در این میان با توجه به اهمیت ژئوپلیتیک و ژئوانرژی ایران و خلیج فارس در ترانزیت و امنیت انرژی و نقش آن در پیش‌برد

1. Jeffry Kamp

2. Robert E. Harkavy

3. The Strategic Energy Hearth Land Ellipse

سیاست منطقه‌ای ایران، تبیین این موقعیت را می‌توان به وسیله رویکرد ژئواکونومیک و مؤلفه مهم آن انرژی در نظریات ادوارد لوتواک مورد بررسی قرار داد.

۵. جایگاه ژئوپلیتیک و ژئوانرژی خلیج فارس

در میان مناطقی که در بخش موسوم به خاورمیانه به عنوان مناطق ژئوپلیتیک مستقل و متمایز شناخته می‌شوند، خلیج فارس با منابع سرشار از انرژی، مدل یگانه‌ای از یک منطقه ژئوپلیتیکی، ژئواکونومی و ژئواستراتژی را ارائه می‌دهد که علاوه بر دسترسی به اقیانوس هند، همزمان قابلیت پیوند با چندین منطقه راهبردی از جمله؛ شبه‌قاره هند، آسیای مرکزی، قفقاز و اتحادیه اروپا را دارا می‌باشد (Ghalibaf and et.al,2014:60). دست یافتن به برتری نظامی و استراتژیک در خلیج فارس که راه ورود به بخشی از آب‌های آزاد جهان و محل عمده ترانزیت نفت و گاز است در رأس استراتژی دریایی دولت‌های بزرگ از طریق همکاری با کشورهای منطقه، نشان از ضرورت تأمین امنیت تجارت دریایی در خلیج فارس می‌باشد (Ekhbari and Ghahramani, 2011:56). از برتری‌های راهبردی خلیج فارس، تنگه هرمز است که با قرارگیری در مسیر انتقال نفت مورد نیاز غرب، قرار داشتن در حاشیه ریملند و موقعیت پخش بحران به صحنه عملیات اقیانوس هند، ایجاد تسهیلات تدارک نیرو و لجستیک برای نیروی دریایی و نیز به عنوان مکمل نیروی بری، بسیار حائز اهمیت است (Goodarzi and Mohammadzade Ibrahimi,2017:113-114). از لحاظ ذخایر راهبردی، هشت کشور حوزه خلیج فارس، بزرگ‌ترین ذخایر نفت و گاز جهان را در اختیار دارند. براساس برآوردهای آماری، منطقه خلیج فارس دارای ۸۳۰,۲ میلیارد بشکه نفت می‌باشد (جدول ۱). این مقدار برابر ۴۸ درصد کل ذخایر نفت جهان است (BP, 2021:16)؛ از میان دوازده کشور عضو «سازمان اوپک»، شش کشور آن متعلق به منطقه‌ی خلیج فارس است که بیش از ۶۵ درصد از ذخایر نفت اوپک را در اختیار دارند (OPEC,2019).

1. British Petroleum(BP)

2. Organization of Petroleum Exporting Countries(OPEC)

جدول (۱): ذخایر اثبات شده نفت کشورهای حوزه خلیج فارس (میلیارد بشکه)

کشور	۲۰۰۰	۲۰۱۰	۲۰۱۹	۲۰۲۰	درصد از جهان
ایران	۹۹,۵	۱۵۱,۲	۱۵۷,۸	۱۵۷,۸	٪۹,۱
عراق	۱۱۲,۵	۱۱۵,۰	۱۴۵,۰	۱۴۵,۰	٪۸,۴
کویت	۹۶,۵	۱۰۱,۵	۱۰۱,۵	۱۰۱,۵	٪۵,۹
عمان	۵,۸	۵,۵	۵,۴	۵,۴	٪۰,۳
قطر	۱۶,۹	۲۴,۷	۲۵,۲	۲۵,۲	٪۱,۵
عربستان	۲۶۲,۸	۲۶۴,۵	۲۹۷,۶	۲۹۷,۵	٪۱۷,۲
امارات	۹۷,۸	۹۷,۸	۹۷,۸	۹۷,۸	٪۵,۶
مجموع	۶۹۱,۸	۷۶۰,۲	۸۳۰,۳	۸۳۰,۲	٪۴۸

(Source: Statistical Review of World Energy, BP, July 2021:34)

میدانین نفت خلیج فارس از نظر میزان ذخایر، به میدان‌های غول‌پیکر که حداقل ۵۰۰ میلیون بشکه نفت دارند و میدان‌های ابر غول‌پیکر که در آغاز حداقل ۵ میلیارد بشکه نفت دارند، تقسیم می‌شوند. در این میان ۹ میدان از ۱۰ میدان غول‌پیکر و ۲۸ میدان از ۳۳ میدان ابر غول‌پیکر نفتی جهان در خلیج فارس قرار دارند (Zarei and et.al,2014:319-320). منبع مهم دیگر انرژی خلیج فارس، گاز طبیعی است. بر اساس گزارش آماری در انتهای سال ۲۰۲۰، از میزان ۱۸۸,۱ تریلیون متر مکعب کل ذخایر گاز شناخته‌شده‌ی جهان، ۷۴,۷ تریلیون متر مکعب در منطقه‌ی خلیج فارس واقع شده است (جدول ۲)؛ یعنی معادل ۲۶۲۳,۲ تریلیون فوت مکعب، برابر ۳۹,۸ درصد ذخایر گاز جهان (BP,2021:34).

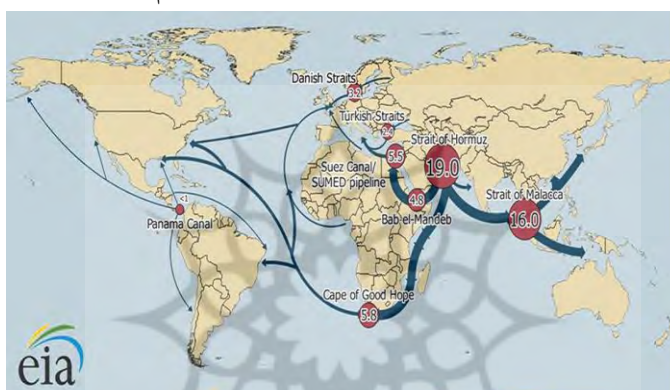
جدول (۲): ذخایر اثبات شده گاز کشورهای حوزه خلیج فارس (تریلیون متر مکعب)

کشور	۲۰۰۰	۲۰۱۰	۲۰۱۹	۲۰۲۰	درصد از جهان
بحرین	۰,۳	۰,۲	۰,۱	۰,۱	۰
ایران	۲۵,۴	۳۲,۳	۳۲,۱	۳۲,۱	٪۱۷,۱
عراق	۳,۰	۳,۰	۳,۵	۳,۵	٪۱,۹
کویت	۱,۵	۱,۷	۱,۷	۱,۷	٪۰,۹
عمان	۰,۸	۰,۵	۰,۷	۰,۷	٪۰,۴
قطر	۱۴,۹	۲۵,۹	۲۴,۷	۲۴,۷	٪۱۳,۱
عربستان	۶,۰	۷,۵	۶,۰	۶,۰	٪۳,۲
امارات	۵,۸	۵,۹	۵,۹	۵,۹	٪۳,۲
مجموع	۵۷,۷	۷۷	۷۴,۷	۷۴,۷	٪۳۹,۸

(Source: Statistical Review of World Energy, BP 2021:34)

از منظر امنیت و ترانزیت انرژی، حدود ۳۵ درصد کل نفت حمل شده توسط نفتکش‌ها و ۲۰ درصد کل عرضه جهانی نفت از آبراه خلیج فارس و تنگه راهبردی هرمز می‌گذرد (Ghanbari, 2018: 103). شکل (۱) نقشه اهمیت جایگاه خلیج فارس و تنگه هرمز را در مقایسه با هفت تنگه استراتژیک دیگر دنیا را نشان می‌دهد که روزانه بیش از ۱۹ میلیون بشکه نفت خام و میعانات گازی از این تنگه مهم بین‌المللی عبور می‌کند.

شکل (۱): نقشه موقعیت تنگه هرمز در میان هشت گلوگاه مهم تجارت جهانی نفت



(Source: eia.gov/international/analysis, 2016)

۶. نقش خلیج فارس در ترانزیت و امنیت انرژی

۶-۱. شبه قاره هند

بر مبنای گزارش سالانه بانک جهانی، هند به عنوان یک قدرت نوظهور اقتصادی، در انتهای سال ۲۰۲۱ از رشد تولید ناخالص داخلی سالانه ۸,۳٪ برخوردار خواهد شد (World Bank, 2021: 207). این کشور چهارمین مصرف‌کننده انرژی جهان است که حدود ۷۰ درصد از آن، از خلیج فارس تأمین می‌شود. هند در سال ۲۰۲۰ حدود ۵۹,۶ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی مصرف نموده که از این میزان ۳۵,۸ میلیارد متر مکعب آن از طریق واردات تأمین شده است (BP, 2021: 38-42). هند در چارچوب سیاست «نگاه به غرب» و «نگاه به شمال» که بر دیپلماسی اقتصادی و انرژی متمرکز است به ایران به عنوان شریکی مهم می‌نگرد. یکی از منابع

مهم تأمین‌کننده انرژی هند طرح «خط لوله صلح»^۱ است. این طرح روزانه قابلیت انتقال ۱۵۰ میلیون متر مکعب گاز طبیعی از میدان گازی پارس جنوبی به هند و پاکستان را دارد. در این بین ترکمنستان نیز با طرح خط لوله موسوم به «تاپی»^۲ (شکل ۲)، رقیب جدی ایران و خط لوله صلح جهت فتح کانون بزرگ مصرف انرژی شبه‌قاره محسوب می‌شود (Koolaee and Imani Kalesar, 2017:131).

شکل (۲): نقشه طرح خط لوله صلح و تاپی



(Source: Gas processing news.com)

در این میان با توجه به تسلط مجدد طالبان بر افغانستان در اوت ۲۰۲۱، در صورت تثبیت حاکمیت آن گروه با توجه به روابط نزدیک این جریان با پاکستان، ایران بایستی بیش از پیش نگران احداث طرح تاپی باشد. خط لوله صلح علاوه بر این با موانع دیگر از جمله؛ مخالفت ایالات متحده با طرح مذکور، عدم توافق طرفین بر سر قیمت گاز صادراتی ایران و تنش دیرینه بین هند و پاکستان نیز روبرو است. بنابراین با توجه به موانع موجود بر سر راه طرح خط لوله صلح و نیز نظر به مسائل پیش‌بینی نشده در بازی‌های ژئوپلیتیکی قرن بیست و یکم، از جمله احتمال درگیری بین کشورهای منطقه و قدرت‌های بیگانه در خلیج فارس و احتمال مسدود شدن تنگه هرمز و وقفه در ترانزیت انرژی، چابهار و سواحل مکران می‌توانند نقش مکمل یا جایگزین مناسبی برای

1. Peace Pipeline: Iran- Pakistan- India Pipeline (IPI)

2. Turkmenistan-Afghanistan-Pakistan-India Pipeline (TAPI)

خلیج فارس در راستای ترانزیت انرژی و نیز حمل و نقل کالا به حساب آید. در طرح یونیدو^۱، سواحل دریای عمان به عنوان نزدیکترین مسیر انتقال انرژی بین قاره‌ای شناخته شده است (Ahmadi and Ahmadi, 2017: 247).

۲-۶. آسیای مرکزی

یکی از مهم‌ترین محدودیت کشورهای آسیای مرکزی محصور بودن در خشکی و عدم دسترسی به آب‌های آزاد جهت تسهیل در حمل و نقل کالا و انرژی می‌باشد. به طور بالقوه مسیرهای مختلفی برای انتقال انرژی آسیای مرکزی به بازارهای جهانی وجود دارد. از جمله می‌توان به مسیر غربی (ترکیه - اروپا)، مسیر شمالی (روسیه - اروپا)، مسیر شرقی (چین)، مسیر جنوب شرقی (طرح تاپی)، مسیر جنوبی (ایران) و طرح ترانس کاسپین^۲ (از بستر دریای خزر)، اشاره کرد. شاید بتوان گفت یکی از مناسب‌ترین این مسیرها، مسیر جنوبی (ایران) باشد. این مسیر علاوه بر اینکه صادرات انرژی کشورهای آسیای مرکزی از طریق ایران به ترکیه و نهایتاً اروپا را میسر می‌سازد، از طریق خلیج فارس با کم‌ترین هزینه، مسافت و زمان، انرژی کشورهای این حوزه را از طریق خط لوله و سیستم تهاتر به بازارهای جهانی عرضه داشت. برای انتقال انرژی از طریق خطوط لوله می‌توان به خط لوله نکا - جاسک اشاره کرد. این خط لوله، منابع نفتی کاشاگان^۳ در قزاقستان را پس از طی مسیر ترکمنستان به نکا در شمال ایران می‌رساند. سپس به وسیله خط لوله ۴۲ اینچی نفت مورد نظر از نکا در شمال ایران پس از عبور از نواحی مرکزی ایران به بندر جاسک در سواحل خلیج فارس انتقال می‌دهد (Fathi and et.al, 2017: 108-109). در سیستم تهاتر (معاوضه) یا سوآپ^۴ نیز، تولیدکنندگان حوزه شرق خزر، نفت صادراتی خود را به پایانه بندر نکا تحویل می‌دهند، ایران نفت تحویلی را برای مصارف داخلی به پالایشگاه‌ها انتقال می‌دهد. در ازای نفت دریافت شده، معادل آن را از منابع خود در خلیج فارس تحویل می‌دهد. این طرح در سال ۲۰۰۲ شروع شد و در سال ۲۰۰۶ میزان سوآپ نفت قزاقستان به خلیج فارس

1. United Nation Development Organization (UNIDO)

2. Transs Caspian

3. Kashagan Field

4. Swapp

از طریق ایران به ۱۲۰ هزار بشکه در روز رسید (Ghanbari, 2018: 166). اما متأسفانه در سال‌های بعد به علت تحریم‌های آمریکا و ملاحظه کشورهای صادرکننده، افزایش ظرفیت آن تاکنون مقدور نشده است.

۳-۶. چین

بر اساس آخرین مرور آماری انرژی جهان توسط شرکت «بریتیش پترولیوم»^۱ در جولای ۲۰۲۱، میانگین مصرف روزانه نفت خام چین در سال ۲۰۲۰، بیش از ۱۴ میلیون بشکه در روز بوده است (جدول ۳). نکته قابل توجه، آهنگ روبه رشد مصرف و همچنین وابستگی به واردات نفت خام چین در مقایسه با ایالات متحده در طول یک دهه اخیر است. به طوری که میانگین واردات روزانه نفت آمریکا به لطف توسعه تکنولوژی تولید «نفت شیل»^۲ از ده میلیون و هفتصد هزار بشکه در سال ۲۰۱۰، به روزانه هفتصد هزار بشکه واردات در سال ۲۰۲۰ کاهش یافته، اما در همین بازه زمانی واردات نفت چین از پنج میلیون سیصد هزار بشکه به ده میلیون و سیصد هزار بشکه در روز افزایش یافته است که عمده‌ی آن از منطقه‌ی خلیج فارس بوده است. در حوزه گاز طبیعی، چین با مصرف ۳۳۰٫۶ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی در سال ۲۰۲۰، پس از آمریکا و روسیه سومین مصرف‌کننده گاز جهان می‌باشد (BP, 2021: 38).

جدول (۳): مصرف روزانه نفت خام چین نسبت به ایالات متحده (میلیون بشکه)

سال	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹	۲۰۲۰
آمریکا	۱۸۳۲۲	۱۷۹۹۷	۱۷۵۸۶	۱۸۰۱۱	۱۸۱۳۱	۱۸۵۲	۱۸۶۲۲	۱۸۸۷۸	۱۹۴۴۷	۱۹۴۷۵	۱۷۱۷۸
چین	۹۳۹۰	۹۷۳۹	۱۰۱۷۰	۱۰۶۶۸	۱۱۱۲۰	۱۲۰۶۶	۱۲۴۹۹	۱۳۱۳۷	۱۳۵۷۶	۱۴۰۰۵	۱۴۲۲۵

(Source: Statistical Review of World Energy, BP, 2021: 23)

نیاز فزاینده چین به انرژی خلیج فارس و همچنین وجود تنش‌های موجود در دریای چین جنوبی و مخاطرات تنگه مالاکا،^۳ باعث شده این کشور به منظور تأمین امنیت انرژی خود، مسیرهای متعدد و مطمئن تری را جستجو نماید. از جمله آن می‌توان به مسیر خلیج فارس - میانمار - چین

1. BP plc is a British Multinational oil and gas Company

2. Oil Shale

3. Malacca Strait

اشاره نمود. این مسیر علاوه بر نفت و گاز میانمار بخشی از انرژی سایر کشورها از جمله حوزه خلیج فارس را در سواحل میانمار دریافت و سپس به وسیله خط لوله به سمت چین صادر می‌نماید (Falahi and Omid, 2019: 50-51). از مزایای این مسیر می‌توان به هزینه، زمان و مسافت کوتاه‌تر آن نسبت به مسیر اقیانوس هند اشاره کرد. همچنین چینی‌ها در راستای طرح یک «کمر بند یک راه»^۱ در چند سال اخیر اقدام به احداث کریدور گوادر^۲ - سین کیانگ^۳ نموده‌اند. طرح مورد نظر ساخت و توسعه کریدور جنوبی - شمالی برای انتقال انرژی مورد نیاز چین از بندر گوادر پاکستان به استان سین کیانگ در غرب چین و نیز امکان اتصال چین به خط لوله صلح می‌باشد. این مسیر نسبت به مسیر دریایی به لحاظ فاصله، زمان، هزینه و امنیت بیشتر، عقلانی‌تر است (Veisi, 2017: 110-11). مهم‌ترین برنامه این کریدور تجاری - اقتصادی؛ توسعه ترانزیت و امنیت انرژی از خلیج فارس به چین است. در واقع توسعه بندر گوادر ثقل مناسبات اقتصادی و امنیتی چین و پاکستان است. در این راستا چین سعی دارد از طریق همسایگان هند به محاصره این کشور پردازد (Behboudi Nejad, 2022: 160). در این بین برای خنثی‌سازی چنین پیوندهایی، هند ناچار است که با ایران پیوندهای محکمی برقر نماید.

۴-۶. اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا یکی از قوی‌ترین سازمان‌های اقتصادی منطقه‌ای است. در حوزه انرژی، مصرف نفت خام اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۰ حدود ۱۲,۷۸۸ میلیون بشکه در روز بوده که سهم بالایی از این میزان از طریق واردات تأمین شده است. همچنین مصرف گاز طبیعی این اتحادیه در همین سال ۵۴۱,۱ میلیارد مترمکعب بوده است (BP, 2021: 23). در این بین یکی از راهکارهای اروپا برای کاهش وابستگی به انرژی وارداتی، بهره‌برداری از منابع جایگزین می‌باشد. اما یافتن منابع انرژی جایگزین علاوه بر مخاطرات و نیاز به سرمایه‌گذاری گسترده، هنوز نمی‌تواند به عنوان منبع قابل اطمینانی در سطح گسترده به شمار آید. همین ملاحظات امنیتی و زیست‌محیطی

-
1. Belt and Road Initiative
 2. Gwadar
 3. Xinjiang province

متفاوت، امکان اتکاء به انرژی هسته‌ای را نیز به حداقل می‌رساند (Aminian, 2013: 91-2). بنابراین تدوین «منشور انرژی»، تشویق کشورها برای پیوستن به آن و تلاش برای احداث خطوط جدید جهت انتقال انرژی از منطقه خزر و خلیج فارس، نمونه‌ای در راستای تأمین امنیت انرژی و اجرای منشور فوق هستند. اتحادیه اروپا در کنار مسیر شرقی (روسیه)، مسیر شمالی (نروژ) و مسیر غربی (الجزایر)، در سالهای اخیر به طراحی و توسعه «مسیر گاز جنوبی» عبوری از ترکیه دست زده است. در این راستا ایران یک آلترناتیو بالقوه برای اروپا در جهت تنوع بخشی به انرژی محسوب می‌شود. در حال حاضر صادرات اندک گازی ایران به اروپا از مسیر ترکیه صورت می‌گیرد، اما ایران و این اتحادیه در صدد افزایش حجم موجود و تنوع مسیرهای صادراتی هستند. در این راستا می‌توان به مسیر شمالی (ایران - ارمنستان - گرجستان - اوکراین)، نیز اشاره نمود.

۷. یافته‌های پژوهش

۷-۱. جهت‌گیری سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران

با توجه به فقدان راهبرد مناسب و عدم بهره‌برداری از موقعیت ممتاز ایران در سنوات گذشته، دولت یازدهم (حسن روحانی) استراتژی جدید سیاست خارجی خود را در منطقه بر مبنای کاهش تنش و گسترش همکاری با همسایه‌ها، ترسیم و معرفی نمود. طبق این راهبرد، هیچ یک از بازیگران منطقه‌ای در این شرایط تنش‌زا قابلیت هژمون شدن را ندارند. مبنای استراتژی فوق برای حفظ توازن قوای منطقه‌ای بر «دولت‌های کارآمدتر در منطقه‌ای قوی‌تر» به جای «قدرتمندترین در منطقه‌ای ضعیف» تعریف گردیده است. از این دیدگاه، «قدرت برتر» بودن نه تنها راه‌حلی برای مشکلات موجود نیست، بلکه خود بخش عمده‌ای از مشکل در منطقه تصور می‌شود زیرا که قدرت اول شدن و قدرت اول ماندن در خاورمیانه بسیار پرهزینه است (Ashna, 2016: 222). اما اتخاذ رویکرد «ژئوپلیتیک اکونومیک»، از لحاظ تأثیرات سیاست‌گذاری به طور ضمنی خواهان تقویت اصل همکاری منطقه‌ای در برابر اصل بازدارندگی^۲

1. Energy Charter

2. Deterrence

و تکیه بر رویکردهای ژئواکونومیک در سیاست خارجی به منظور تقویت قدرت ملی ایران است (Barzegar, 2019: 194). در این بین با مدنظر قرار دادن اهداف و رویکردهای سیاست منطقه‌ای و موقعیت ایران، با بررسی و تحلیل یافته‌ها مهم‌ترین مؤلفه‌های راهبردی ترانزیت انرژی خلیج فارس ناظر بر پیش‌برد اهداف منطقه‌ای ایران را می‌توان به این شرح بیان نمود:

۲-۷. روابط راهبردی ایران و هند در پرتو ترانزیت و امنیت انرژی

در حوزه شبه‌قاره هند، علی‌رغم اینکه مواضع و نوع روابط هند با قدرت‌های بزرگ از جمله ایالات متحده در نظام بین‌الملل با منافع و دیدگاه‌های ایران همسو نیست اما در بُعد منطقه‌ای در بسیاری از حوزه‌ها از جمله مبارزه با افراط‌گرایی، حمل و نقل، توسعه چابهار و کریدور شمال-جنوب^۱ و ثبات در افغانستان و مهم‌تر از همه ترانزیت و امنیت انرژی از جمله احداث خط لوله صلح (انتقال گاز ایران به هند و پاکستان) و یا طرح خط لوله گاز طبیعی ایران-عمان-هند، دارای منافع همسو و مشترک هستند. یکی از عوامل مهم اتصال ایران و هند در منطقه علاوه بر امنیت انرژی، بندر راهبردی چابهار است. توسعه این بندر با مشارکت و سرمایه‌گذاری هند، باعث توسعه جنوب‌شرق کشور، ارتقاء سطح امنیت ملی و نیز افزایش وزن منطقه‌ای ایران می‌گردد. همکاری در بخش اقتصادی و انرژی زمینه‌های تعامل و تشریک مساعی متعددی نیز در سطوح منطقه‌ای بین ایران و هند از جمله در حوزه تروریسم به عنوان دشمن مشترک و نیز ثبات در افغانستان به عنوان یک نقطه ثقل و واحد، فراهم نموده است. در همین راستا، با مدنظر قرار دادن حضور مجدد گروه طالبان در افغانستان، و تهدید حاکمیت رادیکالیستی طالبان برای افق امنیتی منطقه بخصوص برای امنیت ایران و از سوی دیگر با توجه به روابط عمیق و مشکوک آن با پاکستان، در صورت وقوع شرایط بحرانی، محور ایران-هند می‌تواند به عنوان آلترناتیو، مدار پاکستان-افغانستان را به چالش بکشد.

۳-۷. نقش انرژی در توسعه روابط متقابل ایران و آسیای مرکزی

ترانزیت انرژی کشورهای محصور در خشکی آسیای مرکزی باعث احساس تعهد این کشورها نسبت به ایران و نیز خلق فضای همکاری در بخش‌های دیگر از جمله؛ حمل و نقل و توسعه

1. International North-South Transport Corridor (INSTC)

کریدور شمال- جنوب، مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی و محدود نمودن دامنه نفوذ نیروها و کشورهای بیگانه منجر خواهد شود. در بُعد سیاسی- امنیتی، هدف کشورهای آسیای مرکزی از جمله قزاقستان از گرایش به حضور ایران در منطقه به عنوان یک کشور موازنه بخش را می‌توان در راستای اثرگذاری بر هژمون روسیه در منطقه تعریف نمود. ایران تحت تحریم و انزوا و قزاقستان محصور در خشکی، شرایط مطلوب را برای بهره‌برداری از منافع و همکاری متقابل ایجاد نموده است. همچنین می‌توان به تمایل تاجیکستان به توسعه روابط خود با ایران اشاره نمود که علاوه بر همکاری در بخش انرژی، از ایران به عنوان وزنه‌ای مهم در مقابل رقیب جدی منطقه‌ای خود یعنی قرقیزستان بهره‌برد. این امر برای ایران نیز می‌تواند زمینه نفوذ سیاسی- اقتصادی را در آن حوزه تقویت نماید. به نظر نگارندگان؛ با توجه به روابط مطلوب ایران و کشورهای آسیای مرکزی و وجود حوزه‌های گوناگون تعامل و همپوشانی از جمله در حوزه انرژی و حمل و نقل، اعضای آن قلمرو می‌توانند زمینه همکاری و نفوذ بیش از پیش ایران را در منطقه آسیای مرکزی و همچنین سازوکارهای منطقه‌ای آن از جمله «سازمان همکاری شانگهای»^۱ و «اتحادیه اقتصادی اوراسیا»،^۲ را تسهیل نمایند.

۴-۷. نقش انرژی در ایجاد مشارکت راهبردی بین ایران و چین

نیاز فزاینده چین به انرژی و نیز ساختار امنیتی حاکم بر شرق آسیا و گذرگاه‌های راهبردی آن از سوی غرب، باعث تقویت رویکردی در چین با عنوان «راهبرد نگاه به سوی مرزهای غربی» شده است. وانگ جیسی^۳ استاد روابط بین‌الملل معتقد است؛ در شرایطی که آمریکا با ایجاد زنجیره‌ای از متحدان خود در شرق آسیا به دنبال مهار چین است، این کشور باید به دنبال راه‌های جدیدی برای تنفس خود باشد؛ بنابراین حرکت به سوی غرب و شکل دادن به روابط راهبردی با روسیه، آسیای مرکزی و تقویت مناسبات با ایران و پاکستان می‌تواند راه‌حل مناسبی برای مقابله با استراتژی فوق باشد (Arghavani Pirsalami, 2015:80). در این راستا، تلاش‌های چین برای

1. Shanghai Cooperation Organization (SCO)

2. Eurasian Economic Union (EEU)

3. Wang Jisi

توسعه زیرساخت‌ها در منطقه آسیای مرکزی در قالب طرح «یک کمربند یک راه»^۱ امکان برقراری اتصال زمینی میان خلیج فارس و آسیای مرکزی را دو چندان می‌کند. در این رویکرد ایران با قابلیت اتصال دو حوزه‌ی مهم انرژی خلیج فارس و خزر، می‌تواند ضمن درگیر شدن در این کریدور انرژی، در صورت لزوم علاوه بر تقویت خطوط انتقال انرژی آسیای مرکزی به چین، در امنیت انرژی سایر مناطق شرق از جمله ژاپن، کره جنوبی و ... سهمی شود. همچنین ایران از طریق کریدور «گوادر- سین کیانگ»^۲ با پتانسیل خط لوله صلح، می‌تواند در امنیت انرژی چین از سوی مرزهای غربی آن کشور نقش مهم ایفا نماید.

۵-۷. چشم‌انداز روابط ایران و اتحادیه اروپا از دریچه ترانزیت و امنیت انرژی

اتحادیه اروپا همواره نگران امنیت انرژی بوده و در این زمینه از وابستگی خود به روسیه ناخشنود هستند. بر این اساس کمیسیون اروپا در نوامبر سال ۲۰۰۸ با تهیه «طرح اجرایی امنیت انرژی و انسجام اتحادیه اروپایی»^۳ به نقش ایران جهت تنوع بخشیدن به منابع انرژی و کاهش وابستگی به روسیه اشاره می‌کند (Sazmand and Kavianifar, 2015:54). ظرفیت انرژی ایران و اتصال میدین مهم پارس جنوبی از طریق کریدور ترکیه- بلغارستان و نیز ایران- ارمنستان- اوکراین و از آنجا به اروپا، قابل توجه است. اگر ایران، منطقه خاورمیانه و اروپا را یک مجموعه امنیت منطقه‌ای فرض نماییم، از منظر وابستگی متقابل، هرگونه تغییر و تحول در هر یک از این واحدها بر دیگری نیز تأثیرگذار خواهد بود. در این میان با توجه به اینکه ایران و اتحادیه اروپا در منطقه خاورمیانه در برخی از حوزه‌ها دارای منافع همسو و ظرفیت‌های مشترکی مانند مقابله با تهدیدات پیش‌رو از جمله امنیت انرژی، تروریست، پناهجویان، مواد مخدر، بحران‌های زیست‌محیطی، عدم اشاعه تسلیحات هسته‌ای و... هستند، در صورت تنش‌زدایی و ایجاد روابط قاعده‌مند بین طرفین زمینه گسترش در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی از جمله ترانزیت انرژی و امنیت منطقه‌ای فراهم است. اتحادیه اروپا تشنه انرژی ایران و ایران نیازمند تکنولوژی آن اتحادیه برای توسعه و رونق

1. Belt and Road Initiative

2. Gwadar- Xinjiang

3. Second Strategic Energy Review- an EU Energy Security and Solidarity Action Plan

صنعت نفت و گاز خود است. بنابراین همکاری در زمینه اقتصادی و انرژی می‌تواند به دیگر حوزه‌ها از جمله امنیت منطقه‌ای و حل منازعات موجود، تسری یابد.

۶-۷. رابطه ترانزیت انرژی و امنیت ملی

نظر به تغییر مؤلفه‌های قدرت و امنیت از ژئوپلیتیک به سمت ژئواکونومیک و اهمیت آن؛ در این چارچوب، جایگاه ترانزیت انرژی خلیج فارس چگونه می‌تواند در ارتقاء سطح ضریب امنیت ملی ایران مؤثر باشد؟ در این میان باری بوزان^۱ معتقد است که در فضای بوجود آمده بعد از جنگ سرد، آن دسته از سیاست‌های امنیتی که صرفاً بر اساس منافع امنیتی خودی طراحی شده باشند هر قدر هم که آرمانی باشد، نهایتاً منجر به شکست خواهد شد. او پس از طرح مسأله وابستگی متقابل امنیتی و ناکارآمد بودن سیاست‌های امنیتی خود محورانه، معتقد است که اگر امنیت هر یک از دولت‌ها به امنیت همه مربوط شود، پس هیچ چیز را نمی‌توان بدون درک همه فهمید و ضمن سیاست‌گذاری امنیتی برای خود، به منافع همسایگان نیز توجه نمایند (Buzan, 2011: 213). در این راستا اگر وضعیت ترسیم شده فوق را برای موقعیت راهبردی ایران فرض نماییم؛ بطوری که ایران در حوزه خلیج فارس محل تأمین و ترانزیت انرژی چندین کانون مهم مصرف‌کننده باشد، ترانزیت انرژی و نیز عبور لوله‌های نفت و گاز از مسیر ایران باعث خواهد شد که بین سرنوشت امنیت انرژی و به تبع آن امنیت اقتصادی و سیاسی کشورهای مصرف‌کننده با موقعیت، امنیت و سرنوشت ایران پیوند ایجاد شود، همین امر باعث خواهد شد آن کشورها نسبت به استمرار ثبات و امنیت ملی ایران حساس‌تر شوند. اهمیت این موضوع به عنوان یک نقطه قوت می‌تواند هم در پیشبرد و پیگیری اهداف منطقه‌ای و هم در موضع‌گیری، چانه‌زنی و گفتمان سیاسی فرامنطقه‌ای استفاده شود که خود می‌تواند در ارتقاء و افزایش ضریب امنیت ملی مؤثر واقع گردد.

۸. چالش‌ها، فرصت‌ها و راهبرد پیش‌روی

ظرفیت ژئواکونومیکی و ژئوانرژی ایران علاوه بر عوامل داخلی که ناشی از ضعف ساختاری و عدم توجه به پتانسیل مذکور در سیاست‌گذاری‌های کلان دولت‌ها در ادوار مختلف بوده، در بُعد

1. Barry Buzan

منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نیز با موانع، چالش‌ها و رویکردهای خصمانه‌ای روبرو می‌باشد. در این راستا مهم‌ترین چالش برای همکاری و ترانزیت انرژی حوزه خلیج فارس در سالیان اخیر، وجود تنش بین ایران و عربستان به عنوان دو قدرت رقیب بر مبنای دو ایدئولوژی متفاوت (تشیع و تسنن) بوده که برآیند حاصل از تضاد این دو دیدگاه در منطقه خلیج فارس علاوه بر قطع روابط دیپلماتیک متعدد میان اعضاء، تلاش برای گسترش حوزه نفوذ و جنگ‌های نیابتی باعث تهدید تولید و ترانزیت انرژی نیز شده است. در فضای بوجود آمده، سرمایه‌های ملی بجای صرف توسعه داخلی و عمران منطقه‌ای، به سمت هزینه‌های نظامی و بعضاً خرید تسلیحات شده است. اما در این بین تنها در صورت تغییر رویکرد از ایدئولوژی حاکم بر منطقه به سمت ژئواکونومی توسط دولتمردان این حوزه است که می‌تواند فضای حاکم بر منطقه را به سمت توسعه و همکاری متقابل منطقه‌ای سوق داد. در تعریف چارچوب فوق؛ توسعه صنعت نفت و گاز، ترانزیت انرژی، بحران‌های زیست‌محیطی، بازار مشترک اقتصادی، مساعی جمعی برای حل بحران‌های منطقه‌ای از جمله یمن، سوریه و به طور کلی توسعه منطقه‌ای پیرامون محور انرژی، معنا پیدا خواهد کرد. همانطور که گذرگاه‌های بسفر^۱ و داردانل^۲ به عنوان دروازه ورود، نبض سهم عمده‌ای از ترانزیت کالا و انرژی اروپا را در دستان ترکیه قرار داده است، ایران نیز می‌تواند به صورت هدفمند از طریق آبراه خلیج فارس، تنگه هرمز و سواحل راهبردی مکران، در سهم عمده‌ای از امنیت انرژی و تجارت بین‌الملل دخیل باشد. بنابراین باید در نظر داشت، امنیتی کردن بیش از حد متعارف این منطقه (تنگه هرمز)، ضمن اینکه ریسک سرمایه‌گذاری در حوزه نفت و گاز منطقه را بالا می‌برد، باعث دور زدن آن توسط برخی کشورهای منطقه و خلق مسیرهای آلترناتیو خواهد شد. همین مسأله باعث پایین آمدن وزن ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک حوزه خلیج فارس برای ایران خواهد شد. البته از سوی دیگر در صورت اتخاذ استراتژی تمرکززدایی از تنگه هرمز و آبراه خلیج فارس و انتقال بخشی از اهمیت کانون این حوزه به سواحل مکران و منطقه چابهار، با توجه به تنش‌های موجود بین ایران و آمریکا و برخی رقبای منطقه‌ای در حوزه خلیج فارس، با این اقدام

1. Bosphorus

2. Dardanelles

ایران می‌تواند میزان آسیب‌پذیری خود را در شرایط بحرانی کاهش دهد. بدون آنکه در میزان آسیب‌پذیری رقبا به علت محدودیت‌های ژئوپلیتیکی تغییری ایجاد شود. در این میان حضور هند نیز در منطقه که برای خنثی‌سازی پیوندهای موجود بین چین و پاکستان، نیاز دارد که با ایران روابط محکمی برقرار نماید، بندر راهبردی چابهار علاوه بر تسهیل در دسترسی هند به آسیای مرکزی، می‌تواند به دهلی اجازه دهد که فعالیت ترانزیت کالا و انرژی از حوزه خلیج فارس به بازارهای هدف از جمله رقیب منطقه‌ای خود یعنی چین را رصد نماید. اما اهمیت این موضوع آن است که شاید بتوان از طریق وزن روابط ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک با هند، آهنگ تنش و رویارویی ایران با ایالات متحده را تا حدودی کاهش داد. ولی در صورت تعلل ایران در توسعه چابهار و عدم اتصال هند به این حوزه، با توجه به تنش دیرینه در روابط هند و پاکستان، ممکن است هند به ناچار با اتخاذ راهبردی متفاوت با اتصال دریایی به امارات و سپس کریدور عربستان، اردن، اسرائیل و نهایتاً دسترسی به یونان و اتحادیه اروپا، ضمن دور زدن چابهار وزن ژئوپلیتیکی ایران بیش از پیش تضعیف گردد.

از دیگر موانع منطقه‌ای در راه ترانزیت انرژی ایران، می‌توان از هم‌سویی کشور آذربایجان با دیدگاه غرب، و حذف ایران از پروژه قرن ۱۹۹۴ آذربایجان نام برد که در آن باکو نقشی را در سیاست خطوط لوله بازی کرد که مورد حمایت آمریکا برای حذف ایران از مسیرهای خطوط انتقال انرژی بود است (Kouzegar Kaleji, 2017). پیرو سیاست فوق، ترسیم طرح‌های خطوط لوله ناباکو،^۱ باکو-تفلیس-جیحان و حتی ترانس کاسپین، همه در راستای حذف ایران از خطوط لوله مذکور بود. در همین راستا ترکیه نیز با آگاهی از ابراز تمایل برخی از شرکت‌های نفتی به مسیر ایران، از آن بیم دارد که با نرزش سیاست آمریکا نسبت به ایران و بهبود روابط آن با اروپا، پافشاری شرکت‌های مذکور برای گزینش مسیر ایران به جای مسیر باکو - جیحان تشدید شود و ایران با دارا بودن موقعیت بالقوه ممتاز به عنوان هاب انرژی منطقه مطرح شود. سخنان اردوغان رئیس جمهور ترکیه در افتتاحیه خط لوله «جریان ترک»،^۲ اهداف بلند مدت ترک‌ها در خصوص

1. Nabucco Pipeline

2. Turk Stream

ابتکار عمل در حوزه ترانزیت انرژی را به روشنی آشکار نمود (Tasnim News Agency, 2020). او اظهار داشت: «با اجرای این پروژه به زیرساخت لازم برای عرضه گاز طبیعی در منطقه دست یافتیم. هدف داریم کشورمان را به یک مرکز جهانی تأمین انرژی تبدیل کنیم. همچنین با توجه به مناقشه قره‌باغ در اکتبر ۲۰۲۰ بین آذربایجان و ارمنستان و حمایت همه‌جانبه ترکیه از آذربایجان جهت تغییر ژئوپلیتیک منطقه و متأسفانه همزمان با اتخاذ سیاست انفعالی از سوی ایران، باعث واقع شدن بخشی از کریدور بین‌المللی ایران-ارمنستان-گرجستان، در سرزمین‌های تحت تصرف آذربایجان شده و علاوه بر آن تصمیم آذربایجان و حمایت ترکیه مبنی بر احداث گذرگاه «زننگه زور»^۱ جهت دسترسی آذربایجان به منطقه نخجوان و در پی آن اتصال زمینی ترکیه به حوزه خزر و پیگیری استراتژی «به سوی شرق»، را می‌توان در راستای تضعیف سطح پیوستگی ژرفای ژئوپلیتیک جنوب به شمال، بایکوت ظرفیت ترانزیتی ایران-ارمنستان و وابستگی بیش از پیش ایران به مسیر ترانزیتی ترکیه تفسیر کرد. اما در مورد رفع موانع ترانزیتی و تنش‌زدایی در حوزه قفقاز و ایجاد روابط مستحکم و مثبت با باکو، ایروان و حتی آنکارا، باید به آنها شفاف اعلام کنیم که روابط ما با هر کدام از آنها، علیه دیگری نیست و جمهوری اسلامی به همه نگاه یکسانی دارد. که البته آنها باید به خطوط قرمز ایران که همانا منافع ملی، حفظ ژئوپلیتیک منطقه، عدم حضور کشورهای متخاصم فرامنطقه‌ای و تسهیل در امر ترانزیت کالا و انرژی است احترام گذاشته و در صورت عدم رعایت، اقدام متقابل، حق ایران است.

در بُعد فرامنطقه‌ای نیز؛ دیدگاه ایالات متحده نسبت به نقش ایران در منطقه منوط به تصور غیرقابل فهم از این امر می‌باشد که هر ایده درگیری ایران در امور انرژی به میل آمریکا و هم‌پیمانان آن نیست. به طوری که پتانسیل ژئواکونومی ایران در مرکز بیضی استراتژی انرژی، امکان بازی نقش اصلی در ژئوپلیتیک جهانی قرن بیست و یکم را پیش‌روی این کشور قرار می‌دهد و اینکه باید این نقش کم‌رنگ شود تا امنیت منطقه‌ای و جهانی مورد نظر ایالات متحده حفظ شود (Mojtahedzadeh, 2008: 101). علاوه بر آن در حوزه هسته‌ای نیز از منظر آمریکا دستیابی ایران به توان هسته‌ای باعث افزایش قدرت منطقه‌ای ایران، استفاده از آن در چانه‌زنی

منطقه‌ای، تهدید اسرائیل و نهایتاً از دید واشنگتن ابزاری برای افزایش هراس‌پروری در خاورمیانه و کاهش آزادی عمل آمریکا در منطقه خواهد شد (Kavyanirad and et al, 2017:58). بنابراین در چند سال اخیر تصویب قطعنامه‌های متعدد، تحریم‌های مستمر اقتصادی خصوصاً بخش صنعت نفت و گاز ایران و خروج یک‌جانبه از توافق برجام، جملگی در راستای راهبرد مذکور قابل تبیین است. روسیه نیز؛ طی سال‌های اخیر از یک‌سو سرگرم شدن ایران در بحران‌های منطقه‌ای را تشویق، و از طرفی در حوزه انرژی نسبت به ایران به عنوان یک رقیب بالقوه نگریسته است. روسیه در عین حال که با جمهوری اسلامی ایران دارای مناسبات نزدیکی است، اما هدف اصلی آن از انعقاد قراردادهای نفت و گاز با ایران، دور نگه داشتن این کشور از آمریکا و اتحادیه اروپا بوده است (Karimipour and et.al, 2017:194). تا مطمئن شود که اروپایی‌ها نمی‌توانند با استفاده از ایران، وابستگی خود را به گاز روسیه کاهش دهند. بنابراین با توجه به اینکه ایران در دوسه دهه‌ی اخیر بیشتر در محور امنیتی قرار گرفته است و در نتیجه از سوی جامعه بین‌الملل خصوصاً آمریکا به عنوان یک تهدید معرفی شده است و در این راه هزینه‌های هنگفت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فراوان متحمل شده است، ضروریست دولتمردان ایران با ابتکار عمل و اتخاذ دیپلماسی پویا ضمن حل و فصل مسألت‌آمیز پرونده هسته‌ای و دیگر موضوعات تنش‌زا با غرب، کشور را از شرایط امنیتی بودن خارج و با ایجاد فرصت برای همه‌ی طرف‌ها و تأکید بر منافع مشترک، زمینه حضور فعال و مؤثر در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی فراهم نماید. و بیشتر از این اجازه ندهد دیگر طرف‌های سودجوی پرونده هسته‌ای (چین و روسیه) از کارت تحریمی ایران در مقابل رقبا استفاده نمایند.

۹. بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به جایگاه ایران در منطقه ناریلند^۱ و قرارگیری در حد تلاقی هارتلند و ریملند و با بررسی پتانسیل ترانزیت انرژی خلیج فارس به حوزه‌های مصرف و تأثیرات آن بر پیش‌برد سیاست

1. Nariland (Natural Resource Land)

- ناریلند: دیدگاه سویلن (Soilen): اقتباسی از نظریه هارتلند مکیندر و ریملند اسپایکمن در ژئوپلیتیک کلاسیک بود، برای مهم جلوه دادن سرزمین‌های دارای منابع طبیعی در فضای مناسبات ژئواکونومیکی جهان استفاده کرده است (ویسی، ۱۳۹۸: ۲۲۷).

منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از دیدگاه اقتصادی ادوارد لوتواک در تحلیل موضوع، نتایج زیر حصول یافت:

در حوزه خلیج فارس علی‌رغم ظرفیت عظیم برای همکاری در زمینه‌های مختلف از جمله ژئواکونومیک و ژئوانرژی، اما چالش عمده وجود تنش‌های ژئوپلیتیک و ایدئولوژی سالیان اخیر بین ایران و عربستان بوده که برآیند حاصل از تضاد این دو دیدگاه در منطقه خلیج فارس علاوه بر قطع روابط دیپلماتیک و جنگ‌های نیابتی در خاورمیانه عربی، باعث تهدید تولید و ترانزیت انرژی نیز شده است. اما در راستای تنش‌زدایی، ثبات و توسعه منطقه، روابط میان ایران و عربستان سعودی می‌بایست از وضعیت استراتژیک-ایدئولوژیک خارج و نوع نگاه و سطح تصمیم‌گیری دولتمردان منطقه بر روی همکاری‌های منطقه‌ای از جمله مباحث مهم ژئواکونومیک ریل‌گذاری شود. دو کشور ایران و عربستان می‌توانند با تأکید بر بنیادهای اشتراکی، به رسمیت شناختن حوزه‌ی نفوذ یکدیگر و تفاهم درباره منافع منطقه‌ای، زمینه را برای رفع فراگیر تنش‌ها فراهم نمایند. در حوزه شبه‌قاره هند اگر چه در سطح نظام بین‌الملل روابط ایران و هند تحت تأثیر روابط عمیق هند با غرب خصوصاً ایالات متحده می‌باشد، اما زمینه‌های متعدد همکاری منطقه‌ای از جمله ترانزیت و امنیت انرژی، مبارزه با تروریسم، حمل و نقل، توسعه چابهار و گسترش کریدور شمال-جنوب و ثبات در افغانستان، می‌تواند بین دو طرف منافع همسو و مشترک ایجاد نماید. در این پیوند شاید بتوان توسعه و تعمیق روابط منطقه‌ای بین ایران و هند را به چشم‌انداز روابط این دو در سطح نظام بین‌الملل در راستای نزدیک شدن دیدگاه‌ها تسری داد. نهایتاً اینکه موقعیت ممتاز ایران می‌تواند کشورهای پیرامون را در منطقه راهبردی چابهار در تور ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوانرژی خود گرفتار نماید. در این راستا ایران می‌تواند هند را از طریق پارامتر ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک، چین و پاکستان را از منظر ژئوانرژی و افغانستان را از طریق ترانزیت و حمل و نقل به حوزه ژئواستراتژیک چابهار گره بزند.

در راستای حصول اهداف منطقه‌ای ایران نسبت به کشورهای آسیای مرکزی، ترانزیت انرژی کشورهای محصور در خشکی آن حوزه باعث احساس تعهد این کشورها نسبت به ایران و نیز ایجاد فضای همکاری در حوزه‌های دیگر از جمله؛ حمل و نقل و توسعه کریدور شمال-جنوب،

مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی و محدود نمودن دامنه نفوذ نیروها و کشورهای بیگانه خواهد شد. توسعه روابط با آسیای مرکزی علاوه بر اینکه نوعی ابزار برای خروج از انزوا و مقابله با کاهش فشارها و تحریم‌های غرب محسوب می‌شود، سبب خواهد شد که ایران برآیند حاصل از گسترش روابط با این حوزه را به روابط خود با روسیه که بعضاً در شرایط تحریم و روابط خود با غرب و رژیم صهیونیستی در عرصه میدانی و باتلاق خاورمیانه، معمولاً برخورد تاکتیکی با ایران دارد را تعمیم دهد و بتواند مسکو را تا حدودی به روابطی راهبردی و متوازن‌تر وادار نماید.

در راهبرد نگاه به سوی مرزهای غربی از سوی چین، ایران هم از طریق پتانسیل خط لوله صلح و امکان اتصال آن به چین از طریق کریدور گوادر-سین کیانگ، و هم با قابلیت پیوند دو حوزه‌ی مهم خلیج فارس و آسیای مرکزی، می‌تواند ضمن درگیر شدن در این کریدور انرژی، با تقویت خطوط انتقال انرژی آسیای مرکزی به چین در امنیت انرژی این کشور سهیم شود. از سوی دیگر با توجه به سند همکاری ۲۵ ساله ایران و چین، بایستی هوشیار بود که اجازه ابتکار عمل یک جانبه به چین در حوزه چابهار باعث کاهش وزن ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی آن برای هند و در نتیجه تضعیف کارت چابهار برای ایران در مقابل هند خواهد شد. بنابراین روابط یک طرفه در درازمدت نه به مصلحت منافع ملی است و نه با قانون اساسی و استقلال ملی همخوانی دارد. همچنین در راستای تعمیق روابط دوجانبه، ایران بایستی بتواند نسبت به سرمایه‌گذاری متقابل شرکت‌های نفت و گاز خود در بخش پالایشگاهی و بازار انرژی چین اقدام کند. همین استراتژی در دستور کار شرکت‌های نفتی عربستان قرار گرفته است. ریاض سعی دارد ضمن تأمین بخش عمده‌ای از انرژی چین و سرمایه‌گذاری در صنعت پالایشگاهی این کشور، وابستگی چین را از بخش انرژی ایران محدود نماید تا علاوه بر تأثیرگذاری بر روی درآمد حاصل از فروش نفت و گاز ایران، از یک رابطه راهبردی بین آن دو جلوگیری نماید.

در دو دهه اخیر نوع روابط ایران و اتحادیه اروپا نیز تابعی از روابط و شرایط موجود بین ایران و غرب خصوصاً در راستای پرونده هسته‌ای بوده است. در هر مقطعی که فضای مذاکره و توافق بین دوطرف حکمفرما بوده، شرایط برای توسعه روابط اقتصادی از جمله در حوزه انرژی نیز

فراهم شده است، بنابراین به نظر می‌رسد تا زمانی که چشم‌انداز روشنی از روابط ایران و غرب ترسیم نگردد، ایران و اتحادیه اروپا نمی‌توانند شرکای راهبردی در حوزه انرژی باشند. امادر صورت تنش‌زدایی و ایجاد روابط قاعده‌مند بین طرفین، زمینه گسترش همکاری اقتصادی و سیاسی از جمله ترانزیت انرژی و امنیت منطقه‌ای فراهم است. ایران علی‌رغم برخورداری از منابع سرشار از انرژی و موقعیت برتر ژئواکونومیکی، اما متأسفانه این مزیت برتر مورد توجه و بهره‌برداری مناسب قرار نگرفته، به طوری که این حوزه جزو اولویت‌های اولیه و یا حتی ثانویه در سیاست‌گذاری دولتمردان ادوار مختلف نبوده، لذا ضروری است که استفاده از موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی و ژئوانرژی ایران در اولویت فوری و در ردیف امنیت و استقلال کشور تعریف گردد چرا که این ظرفیت استثنایی با منافع و امنیت ملی ایران رابطه‌ی مستقیمی دارد. در راستای چالش‌های پیش‌روی صنعت نفت و گاز ایران و نیز کاهش دامنه‌ی تحریم‌ها و رفع انزوای موجود، با توجه به اینکه محدودیت‌های منطقه‌ای موجود تابعی از روابط ایران و غرب در زمینه‌های گوناگون است به طوری که متأسفانه سطح وسیعی از چالش‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی به موضوعات مختلفی از جمله تنش‌های منطقه‌ای و خصوصاً پرونده‌ی هسته‌ای ختم می‌شود، لذا مدیریت این منازعات و رسیدن به یک سطح معقول از روابط با غرب ضروری به نظر می‌رسد. توسعه صنعت فرسوده نفت، گاز و پتروشیمی ایران علاوه بر رفع تحریم‌ها، نیازمند گره‌زدن تکنولوژی روز دنیا به آن حوزه مهم از طریق حضور و همکاری با شرکت‌های بزرگ نفتی، تقویت دیپلماسی پویا، دغدغه‌مند اما منعطف در راستای رفع محدودیت‌ها و انزوای حاکم بر روابط ایران در منطقه و نظام بین‌الملل است. این امر باعث خلق شرکای راهبردی در حوزه انرژی، کمک به توسعه اقتصادی و بدنبال آن ارتقای سطح امنیت ملی خواهد شد. نتایج حاصل از حضور در بحران‌های چند سال اخیر خاورمیانه نشان داده که حضور بیش از حد متعارف و صرف هزینه در آن حوزه، باعث غفلت از موقعیت‌های ممتاز ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک پیرامون از جمله خلیج فارس، شبه‌قاره هند، آسیای مرکزی و قفقاز گردیده است. بنابراین عدم تغییر رویکرد به این مهم، نه به مصلحت منافع و امنیت ملی و نه در راستای سعادت ملت ایران است.

۱۰. قدردانی

نویسندگان مقاله در پایان بر خود لازم می‌دانند که کمال سپاسگزاری از معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، گروه حقوق و علوم سیاسی و نیز دست‌اندرکاران فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک را داشته باشند.



References

1. Ahmadi, S.A; Ahmadi, E. (2017). Investigating the strategic capabilities of Chabahar in terms of geopolitical weight and national power of Iran (From the perspective of internal, regional and international), *Rahbord Journal*. Vol.26, No83, Summer, PP.235-262. [**In Persian**]
2. Aminian, B. (2013). Energy geopolitics:European Union and energy security, *Geopolitics Quarterly*, Vol.9, No.2, Summer, PP.82-107. [**In Persian**]
3. Arghavani Pirsalami, F. (2015). China and Iran; Foreign policy strategies and the challenge of Comprehensive Cooperation, *Journal of Foreign Relations*, Vol.7, No.3, Fall, PP.63-92. [**In Persian**]
4. Ashna, H. (2016). Effective Governments in a Stronger Region: The Moderate Approach to the Regional Policy of the Islamic Republic of Iran, *Journal of Strategic Studies in Public Policy*, Vol. 6, No. 20, Autumn, PP.219-223. [**In Persian**]
5. Barzegar, K. (2019). Iran's Foreign Policy Strategy for Regional Balance of Power, *Journal of Strategic Studies*, Vol.21, No.4, winter, PP.183-206. [**In Persian**]
6. Behboudi Nejad, Gh; Tahir, A. (2022). Geopolitics of Port: Balancing in Indias Geopolitical Strategy (Emphasizing the Role of Chabahar Port), *Geopolitics Quarterly*, Vol. 18, No, 1, Spring, PP.150-187. [**In Persian**]
7. Buzan, B. (2011). *People, States & fear*, Translation Instiute for Strategic Studies, second edition, Tehran, Instiute for Strategic Studies. [**In Persian**]
8. Dadras, M. H; Shafiei. A. (2018). The role of polynomial components in the power of the Islamic Republic of Iran, *Journal of Political Science: Passive defense and security*, Vol.6, No.21, Winter, PP.77-102. [**In Persian**]
9. Dyer, H; Trombettaand, M.J (2013). *International of Energy Security*, London, Edward Elgar Publications.
10. Ekhbari, M; Ghahramani, M. (2011). The geopolitical position of the Persian Gulf in the process of globalization (with emphasis on the role of the United States), *Journal of New Attitudes in Human Geography*, Vol.3, No.4, Fall, PP.49-66. [**In Persian**]
11. Falahi, E; Omid, A. (2019). Comparative Analysis of China's Energy geopolitics in the Central Asia and the Persian Gulf with an Eye on Iran's position, *Quarterly Energy Economics Review*, Vol.15, No.61, Summer, PP.29-66. [**In Persian**]
12. Farajirad, A.R.; and et.al. (2015). Geo-politics of Energy Pipelines to the Indian subcontinent its Impact on the National Security of the Iran's, *Journal of the Iranian Research Letter of International Politics*, Vol.4, No.1, Fall& Winter, PP.81-109. [**In Persian**]
13. Fathi, M.J; and et.al. (2017). Geo-economic and geo-strategic Impact of Neka-Jask pipeline on Iran's national security, *Journal of Strategic Research of Political*, Vol.5, No.19, Winter, PP.103-128. [**In Persian**]
14. Gamawa, Y.I (2017). Iran and Energy Security in the Persian Gulf Region, the

- Journal of Social Sciences Research, University Gadau Nigeria, VOL.3, NO5, PP 41-88.
15. Ghanbari, L. (2018). Geo-economics, energy security and energy diplomacy, First edition, Tehran, Ava book Publications. [**In Persian**]
 16. Ghalibaf, M.B; and et.al. (2014). The Geopolitical explanation of Iran's foreign policy in the Persian Gulf Region Regarding fossil Energies, Geopolitics Quarterly, Vol.10, No.3, Fall, PP.56-75. [**In Persian**]
 17. Golkarami, A; and et.al. (2018). Geo-political Explannation of Iran Foreign Policy With Emphasis on Geo Economic Potentials. Applied Researches in Geography Journal, Vol.18, No.49, Summer, PP.37-57. [**In Persian**]
 18. Goodarzi, M; Mohammadzade Ibrahim, F. (2017). Geo-political and geo-economical Position of the Strait of Hormuz in Iran's regional policy, Journal of World Politics, Vol.6, No.3, Fall, PP.103-124. [**In Persian**]
 19. Hafeznia, M.R; Kavianirad, M. (2014). Philosophy of Political Geography, First edition, Tehran: Institute for Strategic Studies Publications. [**In Persian**]
 20. https://www.eia.gov/international/analysis/special-topics/World_Oil_Transit_Chokepoints"(2016).
 21. <https://openknowledge.worldbank.org/bitstream/handle/10986/36317/9781464817977.pdf> .
 22. https://www.opec.org/opec_web/en/publications/202.htm.
 23. <https://www.bp.com/content/dam/bp/business-sites/en/global/corporate/pdfs/energy-economics/statistical-review/bp-stats-review-2021-full-report.pdf>.
 24. <http://www.gasprocessingnews.com/features/201710/manage-risks-for-trans-country-pipeline-projects-india-case-study%E2%80%94part-2.aspx>.
 25. Islami, M; Gharibi, M. (2018). New Energy Geo-economics and its Implications for Global Energy Security, Foreign Policy Journal, Vol.32. No.2, Summer, PP.71-102. [**In Persian**]
 26. Karimipour, D; and et.al. (2017). The Role of Energy diplomacy to Foreign Policy Comparative Study of Russia and Qatar, Journal of Strategic Research of Political, Vol.6, no 22, Fall, PP.175-205. [**In Persian**]
 27. Kavyanirad, M; and et. Al. (2017). The Impact of Pacific-oriented Approach of the United State on Security of South West Asia; With Emphasis on National Security of Iran, Geopolitics Quarterly, Vol. 13, No. 1, Winter, PP.31-72. [**In Persian**]
 28. Koolae, E; Imani Kalesar, M. (2017). Indian energy policy in the Caspian region (critical review), Journal of International Political Economy Studies, Vol.1, No.2, Winter, PP.113-136. [**In Persian**]
 29. Kouzegar Kaleji, V. (2017). Not all reasons for the relations between the Republic of Azerbaijan and Israel are related to Iran, Online news/ The International, 18 March, 2017, 16:12, <<https://www.khabaronline.ir/news/646623/>.
 30. Mahkouii, H; Goodarzi, M. (2020). The Impact of the Eurasian Economic Union on the Geo-economic Situation of the Islamic Republic of Iran, Journal of Central

- Eurasian Studies, Vol.12, No.2, Fall & Winter, PP.519-538. [**In Persian**]
31. Mojtahedzadeh, P. (2008). Iran and the Security of West Asia; Will the New Heartland Extend from the Persian Gulf to the Caspian Sea ?, Journal of Strategic approach, Vol.8, No.87, January, PP.89-112. [**In Persian**]
 32. Mokhtari Hashi, H (2018). Explain the concept of geoeconomics; Geopolitical economics and recommendations for Iran, Geopolitics Quarterly, Vol.14, No. 2(50), Summer, PP. 56-82. [**In Persian**]
 33. Nasirpour, G (2019). Iran-India Relations with Future Prospects, Geopolitics Quarterly, Vol. 14, No. 4, Winter, PP.187-165. [**In Persian**]
 34. Sadeghi, A; and et.al. (2018). Requirements of Iranian energy diplomacy in the system of international political economy, Studies of International Relations Journal, Vol.11, No.43, Fall, PP.73-105. [**In Persian**]
 35. Sajadpour, M.K. (2019). A comprehensive conceptual framework for understanding and analyzing Iran's foreign policy, Foreign Policy Journal, Vol. 7, No. 4, Winter , PP.27-42. [**In Persian**]
 36. Salehi, J; and et.al. (2015). Persian Gulf Geo-political, Geo-strategic, Geo-economic regions, Tehran, Center for Scientific Research and Strategic Studies of the Middle East Publications. [**In Persian**]
 37. Sazmand, B; Kavianifar, P. (2015). Iran, Traseca and the European Union Southern Gas Corridor Initiative in the post-sanctions Era, Journal of Foreign Affairs, Vol.7, No3, fall, PP.33-62. [**In Persian**]
 38. Tasnim News Agency, Inauguration of the "Turkish Stream" gas pipeline in the presence of Erdogan and Putin, 8 January, 2020, <<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/10/18/2178053>.
 39. Veisi, H. (2019). Saudi - Iranian Geo-political rivalries Necessity of transition from Ideological Geo-politics to Geo-economics in the Persian Gulf Region, Journal of Political Research in Islamic World, Vol.9, No.1, spring, PP.219-240. [**In Persian**]
 40. Valighzadeh, A; Zaki, Y (2008). Studi of Iran Geopolitics & Geoeconomics Position for CIS, Geopolitics Quarterly, Vol.4, NO.3(18), Fall 2008- Winter 2009, PP.21-56. [**In Persian**]
 41. Veisi, H. (2017). Investigation of the Geopolitical and Geo-economic Competitions of Pakistan and Iran to Create South-North Corridor of Eurasia: Preferences and Threats, Geopolitics Quarterly, Vol.13, No45, Spring, PP.101-124. [**In Persian**]
 42. Veisi, H. (2009). The Position of the Persian Gulf in the Geo-economic Developments of the World; Case Study: Iranian Natural Gas Exports, Journal of Political Science, Vol.12, No.46, Summer, PP.93-119. [**In Persian**]
 43. Zarei, B; and. et.al. (2014). Geoeconomic strategic Location Of Persian Gulf and Powers Rivalry in 21the Century, Journal of Human Geography Researches, Vol.46, No 2, Summer, PP.311-336. [**In Persian**]